

جامعه مهدوی از دل مدرسه متولد می‌شود

■ امروز مهم‌تر از هر زمان دیگری باید نسل نو را برای آینده‌ای که در انتظارشان است، تربیت کرد. در این مسیر، وظیفه داریم سربازانی واقعی برای فرهنگ انتظار و مهدویت بسازیم. یکی از مهم‌ترین کانون‌های تربیتی که باید در این مسیر فعال و مؤثر باشد، مدارس هستند. مدارس باید به مکانی تبدیل شوند که نسل جدید در آن به درستی آموزش‌های دینی و تربیتی را دریافت کنند و با آگاهی از وظایف خود در قبال جامعه و آینده بشریت، آماده خدمت به اهداف بزرگ فرهنگی و اجتماعی شوند. بنابراین مدرسه نه تنها به عنوان یک محیط آموزشی بلکه به عنوان یک کانون تربیتی مؤثر در زمینه‌های دینی، اجتماعی و انقلابی باید بتواند نقش خود را در تحقق اهداف مهدوی و آماده‌سازی نسل آینده برای حضور در عرصه‌های مختلف به درستی ایفا کند...[صفحه ۱۰

نگاه

علی‌اکبر منتظر

سبک زندگی در حوزه‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد؛ از نگاه روانشناسان به نقش ذهنی آن تا دیدگاه جامعه‌شناسان درباره گروه‌های مشترک، اما به طور کلی سبک زندگی را می‌توان شیوه‌ای مشخص و قابل مشاهده از زیستن دانست. سبک زندگی در انتخاب وسایل، کالاهای، عادات‌های رفتاری، برپندها، دکوراسیون و آداب و رسوم نمود پیدا می‌کند که در فرد منتظر جلوه‌های ویژه‌ای دارد.

در خصوص تفاوت‌های فرد منتظر و غیر منتظر باید گفت،



آداب و رسوم یک فرد منتظر با یک فرد غیر منتظر متفاوت است. این تفاوت را در دکوراسیون خانه، انتخاب وسایل و نمادهای فرهنگی، مراسمات فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و ملی می‌توان مشاهده کرد. حتی روتین روزانه، نحوه خرید لباس، آراستگی فردی، جایگاه خانواده، نحوه گذراندن اوقات فراغت و نوع محصولات فرهنگی که مصرف می‌کنیم، بین این دو گروه تفاوت دارد. در واقع، سبک زندگی و رفتارهای قابل مشاهده ما، بازتاب از معاشناسی‌های درونی‌مانست. مسئله زندگی فرد منتظر با فرد غیر منتظر متفاوت است؛ این تفاوت‌ها به ویژه در

دنیای پست مدرن امروز بیشتر نمایان می‌شود. مسئله اصلی یک فرد منتظر، چیزی متفاوت از تغییر خودرو یا دکوراسیون خانه است. البته دغدغه‌ها اصلی و فرعی دارد. ممکن است کسی به تغییر خودرو فکر کند، اما دغدغه اصلی او تربیت فرد یا خودش باشد. اگر تمام این دغدغه‌ها در راستای انتظار و در جهت رضای خدا باشد، سبک زندگی او را می‌توان یک سبک زندگی

سبک زندگی منتظران واقعی با دیگران فرق دارد

فرد منتظر تنها یک نظاره گر نیست

که باهدف غایی انتظار هماهنگ باشد.

همانطور که ذائقه او در مسیر خاصی قرار می‌گیرد، خلأ عاطفی، آگاهی و درک او نیز به سوی مسیری هدایت می‌شود که با انتظار حقیقی مرتبط است. بنابراین فرد منتظر به احکام و اخلاق حضرت حجت(عج)، به مسائل معنوی بر جستۀ و به آنچه موجب تعالی روح و فکر او می‌شود، توجه بیشتری دارد.

زمانی که فرد به مقام خرد می‌رسد، نوعی بازداری در برابر روزمرگی و عادت‌های بی‌پایه و اساس در او شکل می‌گیرد. اینجا همان نقطه‌ای است که مصرف‌گرایی و شاکله‌های پست مدرنسم قدرت خود را از دست می‌دهند.

به تعبیر بزرگان یک ساعت تفکر بالاتر از ۷۰ سال عبادت است. این نشان می‌دهد فرد منتظر اهل تفکر و اندیشه است. در دنیای کنونی، تلاش بر این است که انسان کمتر فکر کند، چرا که اگر فکر کند، بسیاری از مشکلات برچیده خواهند شد. البته منظور از تفکر، همان تفعلی است که قرآن به آن سفارش کرده‌است. دکارت می‌گفت: «من فکر می‌کنم، پس هستم.» اما سبواز دانشمندان علوم سیاسی می‌گوید: «من حس می‌کنم، پس فکر می‌کنم.» این یعنی در فرآیند ترویج فرهنگ انتظار ما باید محیط‌هایی را طراحی کنیم که در آن ذائقه‌ها، عاطفه‌ها و آگاهی‌ها تقویت شوند و در نهایت فرد به مقام خرد و تغفل برسد. باید نحوه مواجهه‌مان را با مشکلات و مسائل بر اساس محیط و احساس حاکم بر آن تنظیم کنیم. مهم است ابتدا ذائقه افراد خانواده، خلأهای عاطفی و نوع نگرش آنها را بررسی کنیم.

فرد منتظر کسی است که در طراحی محیط اطراف خود نقش فعالی دارد. این نقش شامل برنامه‌ریزی برای توسعه، تحول و رشد در مسیر کمال و انتظار است. در اینجا، تمامی عناصر فرهنگی و تربیتی از جمله موسیقی، تاریخ شفاهی، فیلم و شعر، بازی و سرگرمی، باید هدفمند و در راستای مفهوم انتظار طراحی شود. فرد منتظر عاملیت دارد، او محیط خود را به گونه‌ای می‌سازد که انتظار در آن نهادینه شود. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که فرد منتظر برای خود گذارای می‌کند، امید است؛ امید در حوزه‌های خانواده، جامعه علاوه بر امید، مواجهه با حق و باطل نیز نقش مهمی در سبک زندگی منتظرانه دارد. این مواجهه تا جزئی‌ترین سطح رفتارها و انتخاب‌های ما تأثیر می‌گذارد.

فرهنگ انتظار، یعنی اقدام و عمل. فرد منتظر تنها یک نظاره‌گر نیست، بلکه حرکت می‌کند، تصمیم می‌گیرد و در مسیر تکامل گام برمی‌دارد. او با انتخاب‌های خود با تصمیم‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌اش، نقشی در تحقق از مان فرهنگ انتظار ایفا می‌کند. در حقیقت، فرد منتظر خود را در مسیر کمالی قرار می‌دهد که با ظهور حضرت حجت (عج) به اوج خواهد رسید.

بررسی نسبت زندگی ما با مفهوم «انتظار» به میمنت فرخنده میلاد منتظر (عج)

پای عهدی که بامهدی بستیم هستیم



حجت‌الاسلام روح‌الله حریراوی، قائم‌مقام سازمان تبلیغات اسلامی:

انتظار واقعی

یعنی سبک زندگی مسؤلیت پذیر



دکتر اکبر امراهی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد:

فرهنگ انتظار پاسخگوی بحران‌های

زندگی مدرن امروز است

دشمنی را به جان بخیریم. سخت است منتظر باشی، شب برای دلنتگی یار در خلوت اشک بریزی و استغاثه کنی، اما فردا یک انسان مسئولیت‌پذیر باشی و انجام بدهی. وقت کسی را هدر ندهی و سال بنده‌های خدا را درست و بی‌نقص بکنی. کار بکنی. وقت کسی را هدر ندهی و سال بنده خدا انجام بدهی. سخت است که قول داده باشی برای خوشحالی و آرامش خیالش، وظیفه بندگی‌ات را تمام و کمال انجام بدهی. سخت است دروغ نگوئی،



گوشی و کیف نمی‌دزد. در این شهر کسی هزار حقه نمی‌چیند که مردم را بسنگ قلاب کند و آنها را در هچل بیندازد. اینجا کسی کم‌فروشی نمی‌کند و مردم را در چاه بی‌سر و ته احکارت نمی‌اندازد. اینجا بازارهای مجتمع بین راهش خالی خالی از نمازگزار نمی‌ماند. اینجا شهر روزهدارها از روزه گرفتن شرمندۀ نیستند و روزه‌خوارها ادعای روشنفکری ندارند و برای توجیه کارشان یک بهانه می‌تراشند. اینجا داراها به ندارها کمک می‌کنند. کسی شب گرسنه سر به بالین نمی‌گذارد. اینجا هیچ بچه شهید یا بچه یتیمی شب‌ها از سر دلنتگی و زبان تلخ آدم‌ها اشک روی گونه‌اش سر نمی‌خورد.



حجت‌الاسلام مرتضی عباسیان، کارشناس مذهبی:

شناخت درست از امام عصر (ع)

در یاری رساندن به اوست

انتظار را نباید کشید، باید زندگی کرد

خودمانی

مرضیه

بامیری

مادری را می‌شناسم که سال‌هاست پرسش راگم کرده و روحش کنارش است، ولی تنش را در هویزه جا گذاشته؛ نه تنها جسم که حتی هوشش را از دید همه پنهان کرده‌است. مادرش معنوی بر جستۀ و به آنچه موجب تعالی روح و فکر او می‌شود، توجه بیشتری دارد.

زمانی که فرد به مقام خرد می‌رسد، نوعی بازداری در برابر روزمرگی و عادت‌های بی‌پایه و اساس در او شکل می‌گیرد. اینجا همان نقطه‌ای است که مصرف‌گرایی و شاکله‌های پست مدرنسم قدرت خود را از دست می‌دهند.

به تعبیر بزرگان یک ساعت تفکر بالاتر از ۷۰ سال عبادت است. این نشان می‌دهد فرد منتظر اهل تفکر و اندیشه است. در دنیای کنونی، تلاش بر این است که انسان کمتر فکر کند، چرا که اگر فکر کند، بسیاری از مشکلات برچیده خواهند شد. البته منظور از تفکر، همان تفعلی است که قرآن به آن سفارش کرده‌است. دکارت می‌گفت: «من فکر می‌کنم، پس هستم.» اما سبواز دانشمندان علوم سیاسی می‌گوید: «من حس می‌کنم، پس فکر می‌کنم.» این یعنی در فرآیند ترویج فرهنگ انتظار ما باید محیط‌هایی را طراحی کنیم که در آن ذائقه‌ها، عاطفه‌ها و آگاهی‌ها تقویت شوند و در نهایت فرد به مقام خرد و تغفل برسد. باید نحوه مواجهه‌مان را با مشکلات و مسائل بر اساس محیط و احساس حاکم بر آن تنظیم کنیم. مهم است ابتدا ذائقه افراد خانواده، خلأهای عاطفی و نوع نگرش آنها را بررسی کنیم.

فرد منتظر کسی است که در طراحی محیط اطراف خود نقش فعالی دارد. این نقش شامل برنامه‌ریزی برای توسعه، تحول و رشد در مسیر کمال و انتظار است. در اینجا، تمامی عناصر فرهنگی و تربیتی از جمله موسیقی، تاریخ شفاهی، فیلم و شعر، بازی و سرگرمی، باید هدفمند و در راستای مفهوم انتظار طراحی شود. فرد منتظر عاملیت دارد، او محیط خود را به گونه‌ای می‌سازد که انتظار در آن نهادینه شود. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که فرد منتظر برای خود گذارای می‌کند، امید است؛ امید در حوزه‌های خانواده، جامعه علاوه بر امید، مواجهه با حق و باطل نیز نقش مهمی در سبک زندگی منتظرانه دارد. این مواجهه تا جزئی‌ترین سطح رفتارها و انتخاب‌های ما تأثیر می‌گذارد.

فرهنگ انتظار، یعنی اقدام و عمل. فرد منتظر تنها یک نظاره‌گر نیست، بلکه حرکت می‌کند، تصمیم می‌گیرد و در مسیر تکامل گام برمی‌دارد. او با انتخاب‌های خود با تصمیم‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌اش، نقشی در تحقق از مان فرهنگ انتظار ایفا می‌کند. در حقیقت، فرد منتظر خود را در مسیر کمالی قرار می‌دهد که با ظهور حضرت حجت (عج) به اوج خواهد رسید.

سر کسی کلاه نگذاری، رشوه نگیری و دل نشکنی، مغرور نشوی و به ریاست و میزهای مدیریت دل نبندی. چون تو یک منتظری که دلدار هر لحظه با توست. چون خواستن او می‌آزد به تمام خواسته‌های دنیا. او که راضی باشد همه پازل‌ها خود به خود کامل می‌شوند. حالا فکر کنید یک غیرمسلمان خارجی وارد ایران‌ما می‌شود. میان منتظران باقامه عدل و عدالت، چطور به او ظهور را می‌فهمانید؟ او چطور باید مهدی مسلمان‌ها را بشناسد؟ او از دور مثل مردی که شهر می‌نگرد که انگار توک‌لقه ایستاده و شهر را از دور می‌نگرد. رفتارها را به جامعه منتظر نسبت می‌دهد. جامعه‌ای که همه با هم مهر بانند. در

اینجا همان شهریست که مادرانش قابل احترامند و پدرانش سزاور عزت. مادرها دختران غفیف می‌پروانند و پدرها نان حلال سر سفره می‌شانند. اینجا مردم اعتدال نگه می‌دارند. به وقش شادی می‌گیرند. اینجا عاشرورا هم رنگ‌بویی گل‌های نرگس شیرازش بوی مهدی می‌دهد؛ اینجا عاشورا هم رنگ‌بویی مهدوی دارد. تواین شهر ناامیدی و غصه جایی ندارد. هرکسی را پناه می‌دهد و هر دست دوست را به گرمای محبت می‌فشارد. مردم این شهر متواضعند، خاکی و مشتی. اینجا هر نقطه یک نسنائی از انتظار دارد. روی هر دیوار و ستونی نوشته اللهم عجل لولیک الفرج.

مردم این شهر اگر چه سفره شان خالی یا نشان اندک است، ولی دل‌شان مثل دریا وسیع است. غیرت‌شان نمی‌گذارد خواهر و برادرشان در رنج باشند. اینجا جوان و نوجوان هایش روی مولای‌شان تعصب دارند.

حالا من از شعا می‌پرسم اگر جای آن گردشگر خارجی غیرمسلمان باشید، حاضرید دربارۀ فرهنگ انتظار تحقیق کنید و کمی بیشتر بدانید؟ آیا شفته این مهدی که عطرش در شهر پیچیده نمی‌شود؟

انتظار سخت است، می‌دانم، ولی باید کنار هم و با هم این روزهای سخت و پراتنهاب را پشت‌سر بگذاریم. باید آماده استقبال باشکوه از فرمانروای سرزمین باشکوه عدالت باشیم. نقطه ضعف‌های فردی و اجتماعی را برطرف کنیم و ذهن نسل جدید را برای پذیرش یک اتفاق بزرگ مهیا کنیم. وقش رسیده به جای شعار دادن و فرهنگ انتظار نه تنها و شیرینی، قدم‌های جدی برداریم. به جای خسته و دلزده کردن کودکان خردسال با مفاهیم پیچیده که هنوز درکی از آن ندارند، برای‌شان محتواهای جدید و جالب بسازیم. انتظار را مساوی بدانیم با انسان خوب و با شرف‌بودن. آن وقت همه چیز درست به وقت خودش اتفاق می‌افتد و فرهنگ انتظار نه تنها در کتاب و رساله‌ها، بلکه در قلب مردم ماندگار می‌شود؛ انتظار را نباید کشید یا بد زندگی کرد.